

کدلم « خوردگاری » ک-۴-۴۷۹

توضیح

۱- آقای کریم احمد قفصری
در مجله «فتح» شماره ۱۰۰
نویسندگی است. در مقاله «کدلم»
نویسندگی است.

و کدلم «جهت کردستانی» را می‌خواهیم؟

نویسنده: کریم احمد

نشانی: مرکز انتشارات
جنب کجوهیت عراق
ماه ص / ۱۹۸۶

(۸)

مسئله کرد، قبل و بعد از جنگ اول جهانی، جای مهمی را در اوضاع بین‌المللی اشغال کرد. در آن هنگام، متخصصین و دانشمندان دوله استعمارگر در هر سه قسمت کردستان [ترکیه، ایران و عراق]، پرسه می‌زدند و شش‌الط کردستان را از جهت اقتصادی، سیاسی و نظامی بررسی می‌کردند و با گزارشات دقیق و همه‌جانبه نمود به دولتهای کبک می‌کردند تا در راستای منافع خود، از آن بهره بگیرند.

پس از جنگ اول جهانی، فروردین امپراطوری عثمانی و تقسیم شده کردستان کیست مسئله آن، طبق بیان «ساکین - سکو» مساله کردستان متفق، مساله کرد به مؤسسات سازمان ملل کشیده شد. در همانی [سازمان ملل] و برابر بیان «سود» بود که متوجه گردیدیم «دولت کردی» در مناطق تحت حاکمیت دولت عثمانی یعنی نقاطی که امروز کردستان ترکیه و عراق را تشکیل می‌دهند، ای وجود. لیکن پس از سازش دوله استعمارگر، دولت جدید ترکیه بر است مصطفی کمال^(۱) و ایجاد کردستان^(۲) که ملک فصل از جانب انقلسی که به سلطنت آن گذارده شد، عملاً این بخش از کردستان بین ترکیه و عراق تقسیم و بخش دیگر نیز همچنان تحت تسلط ایران باقی ماند. در این مرحله از مبارزه رایجی بخش نفیض کرد و به دنبال تقسیم کردستان به سه بخش، مساله کرد همیشه بر شد و این واقعیت جدید، خود به عاملی برای آنگونه نیروهای کرد تبدیل گردید. بنابراین با آن، مبارزه در راستای برقراری یک حکومت کردی در ایران، عراق و ترکیه، مستقل از یکدیگر، آغاز شد. لیکن این مبارزات که در حین قیام و انقلاب با نوابینت لیب عوامل تحفص عینی که به جنبش ملی کرده مربوط می‌گردد، انجام موفقیت آمیزی نیافتند. در رأس این عوامل، «فصلت طبقاتی» و «نیروهای» این انقلاب و قیام که «مصدر ماندن آن» در یک منطقه مشخص بود و «عدم تبدیل آن» به یک حرکت وسیع توده‌ای بود. عوامل دیگری مانند «توازن نیروها در هر کشور یا در عرصه بین‌المللی» و همچنین «سازش مرتجعین فرود» کرد با مرتجعین ترکیه و عراق و ایران «نیز به این سبب با اضافه می‌شد.

پس از تشکیل جمهوری ترکیه و برپایی حکومت سلطنتی در عراق و تبدیل شدن کردستان به بخش یکی از این دو کشور، مساله کرد، بخش از یک جنبش میهنی - دیموکراتیک و ضد استعماری، فتودان و آری میهنی این کشور گردید که حل آن نیز در چارچوب

یک کشور چند ملت می باشد و از همین جا دارد مرحله مرحله نوینی می آید.

حزب ما، حزب کمونیست عراق، از همان ابتدا می فهمیم، با آنکه به مبارزه می کشیم، لیکن «حق تعالی سرزده است» را همراه با «حق تعالی سرزده است» برای خلق کرد برسمیت شناخت و از قیام های میهنی آنان پشتیبانی نموده، مبارزه این خلق را «علیه ستم ملی و «بناظر وحدت ملی» - در همه زمین های کردستان - مورد تأیید قرار داد.

حزب ما، همراه با تأیید این حقوق طبیعی، با قاطعیت هر چه بیشتر، بر اهمیت وحدت نیروهای هر دو خلق عرب و کرد و نیز اهمیت ملی، علیه استعمار، دولت پادشاهی مرتجع و فئودالیسم و همچنین در راه استقرار یک حکومت میهنی - در کانتون تا کبک و وزیر، در این مرحله نیز یک برنامه ملی و در راستای آن که با آنجا میهنی مطابقت نمود، اعلام کرد. این برنامه، از جانب آن دسته از نیروهای سیاسی که یک ارتش نیرومند سیاسی را برای تحقق آن تشکیل میدهند بررسی درک شد. این برنامه، همان «خودنمایی» است که مورد تأیید همه نیروهای دهرات و مرقی بوده و همگی بر آن متفق القول هستند زیرا بخشی از مسائل در کانتون است که خود، منظور تحقق آن مبارزه می کنند.

حزب ما، تحقق عینی مسئله کرد را به مسائل در کانتون پیوند زده است زیرا این دو امر به یکدیگر گره خورده اند و از این دیدگاه بود که پرچم شعار «دوگانه برای عراق و خودنمایی برای کردستان» را برافراشت که یقیناً وسیع نیروها و اغزاب ملی و مرقی خلق ما را بطور تمام و جنبش را در یک جنبش خلق کرد را بطور خاص بدینال داشت. این جنبش [جنبش کوردستان]، خود، پرچم را در دست گرفت و در طول تاریخ مبارزه خلق کبکی عراق، از عرب، کرد و اهلیای ملی، آنرا افراشته نگاه داشت. زیرا خلق کرد، به همسایری و آگاهی عمیق و براساس تجربیات خود که زندگی، درسی آن را تأیید نموده، بخوبی در فهم است که مسئله او به مسئله ای از کانتون با مسئله ایجاد یک رژیم در کانتون در عراق، پیوند خورده است و در نتیجه همین دلیل است که نیروهای خود را با نیروهای خلق عرب و اهلیای ملی، در مبارزه منظور تحقق اهداف حقه خود، متحد می سازد.

خلق کرد و جنبش را در کانتون در کانتون آن، با آنکه به تمام انچه به سرشار و گسترده خود، به درک این واقعیت ناخوش آمده است که بورژوازی خودنمایی حاکمان عرب، قادر به ایجاد یک رژیم در کانتون نیست و در نتیجه همین دلیل، توانا است استقرار خودنمایی در کردستان را نیز ندارد. بورژوازی لیبرال عرب هم چنین شعار فقه آمیز «اشتراک عرب و کرد در خاک میهن» را برای حقوق آنان، با اعلام کرده و لاف آن را میزند، اما توان تحقق در کانتون و خودنمایی را ندارد. شعار «برابری» که بورژوازی آنرا بدون شکوهی در بوق می دند، هدف نابودی مطابقت ملی را دنبال میکنند آنهم منظور ادامه سلطه، بهره کشی و تحمیل بیشتر خود بر خلق کرد زیرا «برابری» در واقع و مطابق مفاهیم، نیست یعنی واید و توری می برد تا برابری، بمعنی حقوق خلق کرد برای تعین سرزده است خویش است و استقرار یک حکومت ملی را نیز در بر میگیرد، دقیقاً همانطور که برای خلق عرب.

بورژوازی بوروکرات و فوضول طلب و شورش طلب حاکمان عرب، مفهوم «خودنمایی» را از جهت سیاسی و عقیده مخفی می کند حتی زنجیره هم که ناچار از پذیرفتن آن شد، زمانه بود که تعادل نیروها در درون دیروک، بسوی منافع نیروهای دهرات و جنبش آزادی بخش خلق کرد سنگینی میکرد. این نیروها هم به ندرت خود به سکوی مانور آنان به هدف از هم میسند و وحدت نیروهای دهرات در کورد و مرقی کردن جنبش خلق کرد تبدیل شد و عملاً سبب بروز تغییرات فراوان در تعادل نیروها بود سلطه گران و کلتا تور شود نیست مردم و بدینال آن بود که توانستند هم و حسیانه آوردی را به جنبش در کانتون و جنبش را در کانتون کرد ساده دهند.

و امروز، بعضی نیروهای نرسانیه شکاری عراق و وطنی که با پرده فقهی پوشانده شده است، میگویند مسئله ملی را نباید کنند، درحالی که زندگی و جریات آن ثابت کرده است که جدا از قدرت استثنای میهنی - در کانتون که طبقه کارگر نقش اصلی را در آن بازی کند، هیچ قدرت دیگری نتواند در کانتون را برای عراق و خودنمایی واقعی را برای کردستان تعیین نماید. هنوز هم در میان جنبش ملی خلق کرد، نیروها و عناصری یکس می خورند که بر این باورند گویا میتوان خودنمایی را جدا از کل

مردم عراق و نیروهای ملی دموکراتی سراسری که در راستای بیان کشیدند به دلیل توری و استقرار حکومت اشتراکی در ارتش مبارزه میکنند ،
واقعیت کشید . آن کوششها که منظور جدا کردن اهداف حل مسئله نکرد از مبارزه کل مردم عراق بعلت سبک و بر طبق آن مبارزه خلق
کرد ، چیزی جدا از مبارزه خلق عراق تصور میورد ، نه تنها به مجموعه جنبش انقلابی کشور عراق میسراند ، بلکه این عراق متوجه خود جنبش آزادیخواهان
خلق کرد نیز میورد .

جنبش در کل از مبارزه ، سبب بروز واحید تعصبات قومی و تبدیل مبارزه در ارتش ضد کودتای به گشایش ملی بیان عرب
و کرد میورد ، امری که جز در راستای منافع استعمار و کودتای نیست ، در بیان به بیان توهمات و تحولات ملی انزوا طلبانه ، بورژوازی ،
غفلت از نایب وحدت نیروهای ملی و در ارتش باشد بلکه بر عکس ، سبب فخر بزورن به بود و سرکوب جنبش میکانی خواهد شد جنبش
که در ارتش مشکل یک حرکت بیسگام نبود گرفته است ، جنبش تقابلی یک وحدت به فرد و منته به دلیل توری حاکم ارائه میکند .
حل در ارتش و بر حق مطالبات خلق کرد که وابسته به استقرار در ارتش در کودتای ، باید به توده های وسیع مردم و نیروهای ملی
و ملی ترقی در منطقه کردستان و سراسر عراق تنگی باشد ، خلق کرد در طول مبارزات طولانی و تلخ خود در راه احقاق حقوق ملی ،
تجربیات سرشار بسیاری بر رویهم انباشته است . بر وضع همه اغراب ملی بورژوازی را چه در درون و چه در بیرون حاکمیت ، تجربه
کرده و بسیاری اعتقاد داشته است که غیر از طبقه کارگر و حزب کمونیست آن ، هیچ طبقه اجتماعی و هیچ حزب سیاسی دیگری نیست
که در عمل ، حق تعیین سرنوشت را برای خلق کرد تأمین کند . " طبقه ای که نه تنها عنظور ارتش خود بلکه بخاطر آن کردن جامعه از همه
سویه ای ستم اجتماعی ، اقتصادی و با مبارزه میکنند ."

جنبش ارتش کبش در ارتش - ملی خلق کرد ، بخشی از جنبش در ارتش در ارتش کبش و جنبش از جنبش آزادیخواهان ، خلقی حاکم است
همچنین طبقه معنی طبقه کارگر عراق است ، با برنامه حزب ما مصوب حزب کمونیست کبش (دوم تا پنجم نوامبر ۱۹۸۵) نیز این
حقیقت را مورد تأیید قرار داد که " جنبش ملی ارتش کبش خلق کرد ، بخشی از جنبش در ارتش - انقلاب و سوسیالیسم پروردگار
عراق در مبارزه این بخاطر تحقق کشید که به آماج ای استراتژی آن است . " همچنین جنبش ارتش کبش خلق کرد در مبارزه
جنبش ملی - در ارتش منظور " در ارتش برای عراق و خودمختاری برای کردستان ، " جایگاه سستی نیست . برنامه حزب ما ، این
حقیقت را بازگو کرد که جنبش نیز بود ، " جنبش ملی از جنبش سراسری را تشکیل میدهد ."

توده خلق کرد ، در آنچه علیه ستم ملی بربره کشی طبقات و نیز در قیام بخاطر مطالبات در ارتش و حقوق ملی ، مبارزه به آنان
خود را علیه استعمار ، ارتجاع و فئودالیسم ، از راهکار صلح آمیز و سلمانه بدون وقفه ادامه داده است . این مبارزات ،
سوسیالیسم و طبقات خلق کرد را تقویت کشیده و پیوند آنان را با توده کارمندان خلق عرب و انقلابی ملی مستحکم کرده
کرده ، در نتیجه آنکه منافع ملی و ارتش کبش و اهداف در ارتش آنان بطور کامل با اهداف انقلاب در ارتش مطابقت میزند
نظر به این واقعیت ، لازم است " پایه های و مبارزی " خودمختاری را روشن بنائیم تا بتوانیم کوشش اغراب ملی بورژوازی
منظورهای کردن آن از منظر در ارتش را ، به اثر کنیم . این مبارزی بقرار زیراند :

- ۱- همگوش شدن مرزهای جوامع منطقه خودمختار کردستان ، بر اساس منطقی که کردگان کبش آنرا تشکیل میدهد .
- ۲- ایجاد یک شورای قانونگذاری برابر اصول آزادی در ارتش بومی که " قدرت اجرائی " (رهبری) نیز از آن
نشأت گرفته در تاج آن مستوله باشد .
- ۳- بریدن آقلیت ای ملی ساکن کردستان به حق اداره امور داخلی (محلی) و نیز حقوق فرهنگی ملی خودشان .
- ۴- تشکیل یک شورای وحدت برسد به امر ملیت ما ، جنبش شورایی باید از شماره مصادی عرب در کردستان و
برای اهداف ملی نیز تأمین نمانده در نظر گرفته شده باشد و وظیفه آن رسیدگی به اختلافات احتمالی ای خواهد بود که
مکن است بین گروههای آلونزی در منطقه مرکزی بوجود میاید . " اختلاف نظر بر سر اداره کبش امر مربوط به توسعه

اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، مصوبت این گواهی بر قابلیت اجراء داشته باشد.

۵- عضویت خلق کرد در مراکز اصلی قوه مقننه و حضور در قوه مجریه برابر نسبت کمردستان به کل جمعیت عراق.

۶- در روشنائی این مباری کم قانون و براتسک برای خودتاری منطقه کمردستان تهیه و ماده و شرحه ای در قانون اساسی جمهوری ~~عراق~~ ~~عراق~~ گنجانده شود که طی آن مسئله کم کرد، خودتاری و مباری آسی آسی آسی، بصراحت بیان گردد.

این قانون، باید به تصویب شورای ملی عراق نیز برسد.

بنیاد رژیم دیکراتسک در کشور و استقرار آلودگی حقیقی در کردستان، یک کاره شده و هماهنگی کوشش و فعالیت در این جهت در کردستان و چه در کردستان ایجاب می نماید و از آنجا که هم اکنون یک برنامه همکاری میان نیروهای منتهی عراق، بین اغراب عراقی و کردستان وجود دارد که در جهت "جود" ^(۵) یک عملیات است، لذا در شرایط حاضر، یک ضرورت دیگر یعنی ایجاد یک "جهت کردستان" از اغراب و سازمانا ^{شکل} کردستان در دستور کار قرار دارد. جهتی که باید برنامه همکاری و خودتاری مجمع قانونگذار و گروه اجراء ناحیه خودتاری را مشترکاً برپا نماید. نورالوفقیه و تکامل آلودگی و تعمیق مضامین اجتماعی آن و توسعه اقتصاد کردستان میباشد.

نخست از مضمون ایجاب دیکراتسک در عراق و همچنین تکامل کردای اجتماعی آن در کردستان و شکل این جهتی است.

تعمیق اهداف را در کشور خلق کرد و وظائف آلودگی که مستلزم تکامل یک جهتی در کردستان میباشد یکی از جهتی منتهی در کردستان بدون اتکال به توده های گسسته، مجز و آماده مردم جهت انجام این اهداف نیست زیرا بدون توده های خلق و بسیگان سیاسی که برپا آن را تشویق دارند، بعنوان از طرفت و توانائی برابر استقرار خودتاری و احقاق حقوق ملی خلق کرد سخن گفت، در آن صورت لازم است نحوه تقی خود را از این "جهتی کردستان" روشن نماییم:

مقدمتاً یادآوری میکنم که جهتی کردستان، مانند هر جهتی طبقه دیگر، چندین طبقه اجتماعی را شامل می شود و گروهی از اغراب مختلف سیاسی آن را نمایندگی می کنند که در زمان واحد، آماج و منافع "همیشه یک" و "هم مختلف" دارند. این بدان معنی نیست که هر طبقه ای خلق کرد، در منافع و اهداف خود وحدت دارند زیرا طبقه ای است که تاریخ، حکم نابوری آن را هماد کرده است.

مسئله فتواله؟ از طرف دیگر، گروهی کارگران و کت و زراعت در صحنه دیور و داری خود و غیره می آید و منافع و اهداف گونه گونه دارند. ^(۶) در همین حال در نقطه تلاقی چندین آماج عمومی و سیاسی به یکدیگر می رسند: مسئله پروداری خودتاری و "بیتوف کردستان در مسیرهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی" و نیز "آمال به اجراء حق تعیین سرنوشت در همه جریب یک دولت چند ملیتی".

اگر چه هر یک از این اغراب، برنامه و ایدئولوژی خاص خود را دارد و از طرفت تبلیغ و پروپاگاندا و نیز تکامل لرگانه ای خود در میان توده مردم و کوشش برای جلب آنها، خواهر کوشند تا مردم را حول برنامه های خود بجمع کنند، اما در همین حال یک سری آماج های ملی و اجتماعی مشترک نیز وجود دارند که اغراب گونه گونه در آنجا و همیشه یک دارند و نظریه بین واقعیت، لازم است بین آنها بسیگان مشترک بسته شود تا بتوانند یک برنامه مبارزاتی مشترک را برپا نمایند. مباری دیکراتسک و آزادیخواهانه اجراء بسیگان و عموم اغراب بر سرشار از روح همکاری و احساس عمیق کمردستان نسبت به سایر خواسته های خلق، در آمال ^(۷) کوشا بسته.

فناوری و علم و تمدنی نسبت به اهداف خلق کرد و در رأس آنها، در امری که بعضی استقرار خودتاری و انجام آن طبق مباری بسیار مورد استاده آرایب می نماید که مسائل واحد و مشترک، تقدم بر مناقضات و اختلافات قرار گیرند و همین دلیل ضروری است که "جهتی کردستان" مورد نظر، نه یک جهتی ملی منزوی، بلکه برعکس، بخشی از جهتی دیکراتسک منتهی کشور و در عین حال بسیگان است. این امر است که وحدت مبارزاتی خلق های عرب و کرد و اقلیت های ملی را تضمین و زمینه را برای پیروزی و تحقق بسیگان و دیکراتسک برین اهداف، در جهت گونه گونه اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی فراهم نماید.

این جنبه نیز مانند جنبه مبنی - در راستای خودمختاری ضروری است تا از طریق آن بتوان همه کوشش را
 موجه بقایای ویرانه‌های و محبت با دیگران نامی از مکتوبات کتب توری، سودنسی برکوزر نمود. بهر حال است که نباید از زرادیه دستاورد و
 موفقیت کمی نمود در یک قشر و طریقه ذابجامی مبنی، یا از دیدگاه منافع یک سیاست خاص به این جنبه مکتوبات، چون
 جنبه، کالای نیست که در بازار مکاره عرضه شود بلکه، برعکس انقلابی است که کمال آگاهی طبقاتی و سیاسی طبقات
 و اقشار اجتماعی مختلف و اغراب سیاسی آنرا در کوشش آگاه برای آماج های سیاسی مشترک و با بنام می باشد یعنی اهداف
 اکثریت مردم بجز نیردگی اجتماعی که دشمنان این اهداف بشمار برودند.

تجربیات وسیع جنبش ملی کرد، این راستی را تأیید میکند که ممکن نیست بتوان ~~این جنبش~~ جنبش در راستای ملی کرد را
 تنها از جانب یک حزب یا تشکیلات سیاسی معین و از راه زور، تحمیل، سرور و کشتار یکدیگر رهبری نمود. این کار تنها از طریق
 نیروی تمثیل واقیعت و آشنای با ارائه سئوالاتی سیاسی و سئوالاتی است که از طریق وحدت و تشکیلاتی سیاسی اغراب در
 دروه جنبش توده ای مردم و آموختن از آن و حرکت در پیش آن و کوشش بودن به اراده آن میسر است. و بهر حال است
 که برنامه های آن هم نباید چیزی جز بازتاب خودستای و اهداف اکثریت خلق را تشکیل باشد. توده ای خلق، در ~~در~~ برعکس
 کمال مبارزه انقلابی خود، به جانبی سنگینی خواسته کرد که امکان و توان رهبری آنگاه را داشته باشد.
 سیاست تجدید عرصه و تحمیل خویش بر توده ای مردم، تقسیم سیدان مبارزه به نواحی نفوذ و سلطه و برپا کردن جنبش خویش
 به منظور منیع اغراب و عناصر دیگر از کار در میان توده ای مردم، سیاست بی انجایی است که با همکاری مشترک در راه اهداف
 مشترک تضاد کامل دارد.

غرب ما بهیچ کوشش بمشور تحمیل خویش بر عرصه سیاسی را مردود شمرده که از جهت سیاسی و عقیده علیه آنرا عمل کرده است
 غرب، کوشیده است تقوای کینه توزانه ای را که موجه نقطه دید آن نادره بر نفس حزب کمونیستی در عرصه کردستان بوده، به امر سرزد و
 در این ماسعی، از نظرگاه منافع توده ای ملی زحمتکش، کار کردن در راه آن و از دیدگاه اخلاص نسبت به خلق و مبنای و بنامی
 همکاری بمشور تحقق این منافع، عمل کرده است.

غرب، معتقد است که ضرورت دارد عوالم اغراب و سزنامه های ضد دین توری در کردستان و نواحی از همه غرب کوشش علاوه
 سزای کردستان و غرب کمونیستی و نیز نماندگان مرکز در راستای راه توری، جوانان، زمانه و فرزندانش و نماندگان اقلیت
 ملی در منطقه، همکاری باید در جنبه کردستان مشترک کنند. بنظر ایشان این جنبه سنگینی به اهداف و مضمون مبنی - در راستای
 خویش، بتواند آماج های خود را عملی سازد، باید از طریق شعار انزوا طلبانه و هم بر دو کوشش برای جدا کردن جنبش کرد از
 جنبش در راستای و متحدین حقیقی آن و برقراری یونیز با دشمنان مسئله را کرد، از امر ~~این~~ مبنی تا نیردگی اجتماعی، خودداری کند.
 زیرا آنگاه همچنان در کوشش خود بمشور نفوذ در جنبش را در کوشش ملی خلق کرد ~~و~~ با هدف تحریک و در کردن آن
 از آماج های حقیقی و متحدین اساسی، با برجا هستند.

غرب ما، از ابتدا تا کنون، نقش خصم و بر عصبه و ~~و~~ در مبارزات خلق کرد و جنبش را از نظر خلق در راستای
 تابع غرب، موانع و قربانی های بسیار گرانگیزی آن در راه مبارزات بر حق خلق کرد بر عصبه و ~~و~~ ما، غیر از گواهی
 توده ای خلق که خلقی زود کوشش کار استناخت و بانام اعتماد کرد، نیازی به هیچ گواه و شاهد دیگری نیستیم.
 غرب، معتقد است که یک جنبه کردستان از این نوع، مورد استیسا و همکاری خلق کرد قرار خواهد گرفت و نیردگی مبنی و
 در راستای سراسر کرد و در راستای آن، غرب کمونیستی از آن حمایت خواهد کرد. جنبه ای غیر از این جنبه، منزوی و گوشه گیر
 خواهد بود و تضاد های درونی، آنرا از جهان تشکیلی و کوشش و توخالی و سرانجام نابود خواهد کرد، که در صورت هم
 مادی در مسیر تحقق اهداف خلق کرد بدل شده، زبانه های مبارزاتی به جنبش را در کوشش ملی وارد خواهد کرد.

در پرده مبارزات ملت با برکت تحقق آماج ای بلند شاه ، راه جبهه های مسی ، راه تجربه شده است ، جبهه ، یک سوره
درست برای بیخ نبرد های با مردم و آماده سازی ~~مستعد~~ ارتش سیاسی بمشاوره جنگ با دشمن نیز هست . فهم و درک
این عقاید ، نشانه های شعور عمیق سیاسی احزاب و سازمان های است که در راه اهداف خلق و مسی و سیکار میکنند و سنده درک
مسئولیت خطری است که بعهده آنانه و گذار شده است .

این درک و آگاهی عمیق سیاسی نیز باید همراه و همعنا به نرسن سیاسی کامل باشد در پیش آوردن سطح خورش آبی قشری و خرمی
سند نظارت و برنامه های ویژه ، در قبال آن اهداف سیاسی که مورد توافق همه طرفه قرار میگردد و مورد توجه نبرد خود را با گامی برداشته اند . به طبعی است که اینها
نیاید به مفهوم سطح این یا آن عضو جبهه از این نژادوری و تطبیقات مستقل یا آزادی کار و تبلیغ برابر برنامه های ویژه و سیاسی
فولن تلقی کرد . بلکه بدون ایجاد اختلاف ، در کنار آن و موافق با آن خواهیم بود .

در کشور را تا سید نیاید ، در رشته الط سیاسی امروز هم فوری و ضروری است که احزاب و سازمان های گوناگون عراق ، به در
در نظر گرفتن حجم و میزان تأثیرشان ، با ترک تشکیک بر مسائل فرعی مورد اختلاف و منع درگیری مسلمانان در میان شغها
جنبش و باکنا از آن تفکر سیاسی « منطقه مورد » بخواهد فصلت ، و نیز احیاء و فصل نمودن مفهوم « مبارزه مشترک » در
سیاه احزاب عراقی و احترام به عقاید و آزادی فکر و افکار عمده هم میباشد ، بدون فشار و اجبار ، برای ایجاد یک فضای
سبب و ایجاد جبهه مشترک مبارزانه ، همکاری نمایند .

بهمین لازم است باید کمی « برادری مبارزه جوانان در سیاه عرب و کرد و اهلیت های ملی » که در طول تاریخ مبارزه
خلق عراق ، سنگی از عوامل سروری بر زمین آ و در دستار تاریخی و سواد نویسی بوده است ، حکم نمود ، هر حزبی از احزاب گوناگون
که سیاست و پراکنش آن از همین سناسین در بماند ، خود را گوشه گیر ، منزوی و جدا از توده های خلق و خواسته های
انقلابی بر حق آنان نخواهد بود .

اگوست ۸۶ - این

توضیحات

- ۱- بیان سکن سیکو : روز ۹ اکتبر ۱۹۱۶ بین در سکن ناسیونال و انگلیس در سیکو ناسیونال دولت فرانسه امضا و بعداً به تأسیس دولت عراق
هم رسید . بوجه این بیان همه سزین های عرب و کردستان و در دستار تاریخی عربی بین این دولت استعماری تقسیم شد . افش و مفاد بیان از جانب دولت
سوسیالیستی کردی (جفا علیه سکن سزین انقلابی) سبب ایجاد جنبش های در منطقه گردید .
- ۲- یکی از مجموعه بیان دولتهای غالب ، پس از جنگ جهانی اول که با آلمان دعوتی منعقد شد بیان سکو (Sever) بود . این بیان
در سال ۱۹۲۰ توسط دولت قسطنطنیه (سولک شهر) امضا و در آن طرف دولت انگلار (ترک های جوان به پیری اتاترک) اعلامیه ایجاد
نشدند و بیان لزان (۱۹۲۴) های آنرا رفت . بوجه بیان سکو عراق ، فلسطین ، سوریه و حجاز از کوه چمان منفک و کت قیمومیت انگلیس و فرانسه در آن
در این بیان دعهده استقلال دستار و نیز تشکیک دولت برای کردها در نظر گرفته شده بود .
- ۳- حکومت دولت عراق در آوریل ۱۹۲۰ تشکیک گردید ولی آنکه اصطلاحاً « استقلال عراق » نامیده میگردد ، چنانچه در سال ۱۹۲۴ است .
- ۴- « جمهوری ترکیه » بریت که در آن اتاترک در سال ۱۹۲۳ تشکیک گردید .
- ۵- « جود » نامشده عبارت : « الجمعية الوطنية الديمقراطية » می باشد . جبهه جود در ۱۹۸۰ بین ۷ حزب
تلفافی زیر تشکیک و تألیف اداره دارد : حزب کمونیست عراق ، حزب دوات کردستان عراق (بازمانده) ، حزب سوسیالیست عراق ،
حزب سوسیالیست کردستان عراق ، حزب سوسیالیست کردی (پوکوک) ، حزب خلق دوات کردستان عراق و ده گروه
« گروه دوات های عراق »